

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز توییت مدرس

مرکز اطلاعات  
و  
مدارک علمی ایران

واحد انتشارات

۳۶۸۴۹

وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری

دانشگاه قم

«مرکز تربیت مدرس»

پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی

(گرایش فلسفه)

## علم و قدرت خداوند در قرآن و عهدین

استاد راهنما

حضرت آیه... محمد هادی معرفت

استاد مشاور

حضرت حجة الاسلام والمسلمین حسین توفیقی

۹۱۳۸۹۱

نگارش: خدیجه - شمس

سال تحصیلی: ۷۹ - ۱۳۷۸

## «فهرست مطالب»

۷	مقدمه: .....
۷	۱- اهمیت بحث درباره صفات خدا .....
۱۰	۲- اهمیت بحث از علم و قدرت خداوند .....
۱۱	۳- اهمیت رجوع به کتب آسمانی (و یا مقدس) .....
۱۱	۴- گفتگو میان ادیان .....
۱۳	۵- پرسشهای تحقیق .....
۱۴	۶- پیشینه تحقیق .....
۱۵	۷- روش تحقیق .....
۱۵	۸- سپاس بایسته .....
۱۶	بخش اول: علم و قدرت خداوند از دیدگاه قرآن کریم .....
۱۷	فصل اول: علم خداوند از دیدگاه قرآن کریم .....
۱۷	۱- علم چیست؟ .....
۱۹	۲- علم خداوند در مقام ذات .....

- ۱-۲: علم خداوند به ذات خویش ..... ۱۹
- ۲-۲: علم خداوند به ماسوی در مقام ذات ..... ۲۰
- ۲-۳: نظریه متقدمین ..... ۲۰
- ۲-۴: نظر صدر المتألهین ..... ۲۱
- ۲-۵: نظر علامه طباطبائی ..... ۲۳
- ۲-۶: نظریه اطلاق ذاتی ..... ۲۴
- ۳- غیب و شهادت ..... ۲۸
- ۳-۱: معنی غیب و شهادت ..... ۲۸
- ۳-۲: تقسیم غیب ..... ۳۰
- ۳-۳: تقسیم دیگر غیب ..... ۳۱
- ۳-۴: مفاتح و خزائن غیب ..... ۳۳
- ۳-۵: معنی دیگر غیب ..... ۳۵
- ۳-۶: شمول علم خداوند بر غیب و شهادت ..... ۳۵
- ۳-۷: مفاتح عالم و یک برداشت ..... ۳۶
- ۳-۸: غیب سموات و ارض ..... ۳۷
- ۳-۹: ارتباط اسماء با غیب ..... ۳۸
- ۳-۱۰: برداشت ملاصدرا ..... ۴۰
- ۳-۱۱: علم به ساعه ..... ۴۱
- ۳-۱۲: قیامت هم اکنون هست ..... ۴۴
- ۴- علم خداوند حضوری است ..... ۴۷
- ۴-۱: نظر تفسیری علامه طباطبائی ..... ۵۱

- ۴-۲: مالکیت و علم ..... ۵۲
- ۴-۳: ادراک باطن و علم حضوری ..... ۵۲
- ۴-۴: علم حضوری خداوند به مادیات ..... ۵۳
- ۴-۵: احاطه خداوند بر همه عالم ..... ۵۴
- ۴-۶: خداوند بصیر است ..... ۵۵
- ۴-۷: آفرینش، مالکیت و علم ..... ۵۷
- ۵- مراتب علم خداوند ..... ۶۱
- ۵-۱: نظریه نخست ..... ۶۱
- ۵-۲: قضا و قدر عام ..... ۶۲
- ۵-۳: قلم نه به عنوان یک مرتبه ..... ۶۳
- ۵-۴: نظریه دیگر ..... ۶۳
- ۵-۵: عرش و کرسی ..... ۶۵
- ۶- قرآن و اسماء حسناى خداوند ..... ۶۸
- ۶-۱: اسماء حسنی منحصر به خداوند است ..... ۶۹
- ۶-۲: مراتب اسماء حق ..... ۷۲
- ۶-۳: چگونگی بیان اسماء و صفات خداوند در آیات قرآن کریم ..... ۷۶
- ۶-۴: اسماء در پایان آیات نشان چیست؟ ..... ۷۷
- ۷- عمومیت علم خداوند ..... ۸۱
- ۷-۱: احاطه خداوند بر گذشته و آینده ..... ۸۱
- ۷-۲: احاطه خداوند بر ظاهر و باطن ..... ۸۳

- ۸۵ ..... ۷-۳: ارتباط علم با جزا و پاداش
- ۸۶ ..... ۷-۴: محوریت علم خداوند در اداره امور عالم
- ۸۸ ..... ۷-۵: علم خداوند و هدایت بندگان
- ۸۹ ..... چکیده
- ۹۰ ..... فصل دوم: قدرت خداوند در قرآن کریم
- ۹۰ ..... ۱- قدرت چیست؟
- ۹۳ ..... ۲- تبیین قدرت خداوند
- ۹۳ ..... ۲-۱: مالکیت و قدرت
- ۹۴ ..... ۲-۲: توحید و قدرت
- ۹۵ ..... ۲-۳: توانائی الفاظ در اداء معانی متعالی
- ۹۶ ..... ۲-۴: ارتباط قدرت با مشیت خداوند
- ۹۸ ..... ۳- عموم قدرت خداوند
- ۹۸ ..... ۳-۱: انحصار قدرت در خداوند
- ۹۹ ..... ۳-۲: نفوذ قدرت خداوند
- ۹۹ ..... ۳-۳: قدرت خداوند و احاطه او
- ۱۰۰ ..... ۳-۴: برپایی قیامت و قدرت خداوند
- ۱۰۱ ..... ۳-۵: قدرت خداوند بر همه جهان آفرینش
- ۱۰۵ ..... چکیده

- بخش دوم - علم و قدرت خداوند در عهدین ..... ۱۰۶
- ۱ - کتاب مقدس و مقلدان ..... ۱۰۷
- ۱-۱: ما و کتاب مقدس ..... ۱۰۷
- ۱-۲: اعمال خداوند در کتاب مقدس ..... ۱۱۰
- ۱-۳: اعضاء انسان وار ..... ۱۱۱
- ۱-۴: صفات کمال در کتب عهدین ..... ۱۱۲
- ۱-۵: معتقدان و متفکران ..... ۱۱۵
- ۱-۶: نظر موسی بن میمون ..... ۱۱۸
- ۱-۷: تفاوت کتب و دشواری بحث ..... ۱۲۳
- فصل اول: علم خداوند در کتاب مقدس ..... ۱۲۶
- ۱ - نظریه ابن میمون ..... ۱۲۷
- ۲ - نظریه توماس آکوئینی ..... ۱۲۸
- ۳ - نظریه جیمس انس ..... ۱۳۰
- ۴ - پنج تفاوت میان علم خدا و علم انسان ..... ۱۳۱
- ۵ - چگونگی بحث از علم خداوند ..... ۱۳۲
- چکیده ..... ۱۳۵
- فصل دوم: قدرت خداوند در کتاب مقدس ..... ۱۳۶
- ۱ - خداوند به عنوان قادر و قدیر ..... ۱۳۶
- ۲ - خداوند قادر مطلق است ..... ۱۳۷
- ۳ - قدرت خداوند سرمدی است ..... ۱۳۸



- ۴ - قدرت حقیقی منحصر به خداوند است ..... ۱۳۸
- ۵ - بیان قدرت خداوند با واژه قوت ..... ۱۳۹
- ۶ - اعمال خداوند دلیل بر قدرت او ..... ۱۴۰
- ۷ - شمول قدرت خداوند ..... ۱۴۰
- ۸ - اعمال قدرت خداوند به وسیله اعضا ..... ۱۴۱
- ۸-۱: قدرت خدا و بازوی او ..... ۱۴۲
- ۸-۲: قدرت خداوند و کمر او ..... ۱۴۲
- ۸-۳: قدرت خدا و دست او ..... ۱۴۳
- ۸-۴: قدرت خداوند و دست راست او ..... ۱۴۳
- ۹ - قدرت خداوند منشأ همه قدرت‌ها است ..... ۱۴۴
- ۱۰ - قدرت خداوند بر آفرینش جهان و امور جاری طبیعت ..... ۱۴۵
- ۱۱ - امر بر توصیف خداوند بر قدرت و قوت ..... ۱۴۶
- ۱۲ - تفاوت نجات بخشی در عهد عتیق و عهد جدید ..... ۱۴۷
- ۱۳ - مقایسه دو نظریه ..... ۱۴۸
- چکیده ..... ۱۵۰
- نتیجه و تحلیل ..... ۱۵۱
- کتابنامه ..... ۱۵۲

## مقدمه:

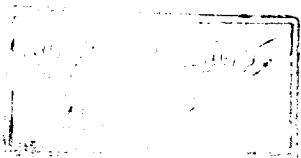
آیا عقل و اندیشه بشر قادر است از پیش خود بفهمد که ذات خداوند دارای چه صفاتی است؟ و یا دارای چه صفاتی نیست؟ آیا ادیان آسمانی، به بشر اجازه ورود به حوزه صفات خداوند را می دهند یا او از قدم گذاردن در این راه، منع شده است؟

### ۱- اهمیت بحث درباره صفات خدا

با نگاهی اجمالی به کتب آسمانی (و یا مقدس)، (به طور اجمال) چنین می یابیم که خداوند بشر را به شناخت خویش ترغیب فرموده است. در پایان بسیاری از آیات قرآن، به یک یا دو صفت از خداوند تصریح شده است. همچنین بنابر اعتقاد مسیحیان، عیسی علیه السلام تعلیم داده است که خدا وجودی مجهول و نامعلوم نیست بلکه عارف بر تمامی حوائج ما بوده و مشتاق است تا در معرفت وی رشد نمائیم.<sup>۱</sup> در متون اسلامی نیز آمده است کسی که خود را بشناسد خدا را خواهد شناخت.

با چنین انگیزه و پشتوانه ای دلسوزان و مدافعان دین، با نام متکلمان به دفاع از معارف و

۱- میلر، و. م.، تاریخ کلیسای قدیم، ترجمه: علی نخستین، انتشارات حیات ابدی، چاپ دوم ۱۹۸۸، ص ۳۰.



گزاره‌های دینی پرداخته و باب وسیعی را در تبیین، تحلیل و چگونگی اوصاف خداوند گشوده‌اند. هر چند از دیرباز، محفل این گونه مباحثات و نفی و اثبات‌ها پر رونق بوده است، اکنون و با ورود به دنیای جدید و گسترش عرصه علم و معرفت و آزادی که بشر برای خود در پرداختن به همه امور حتی دین، از زوایای مختلف قائل است، بحث‌های برون دینی به شکل بی سابقه‌ای تولد و رشد یافته و متکلمان را با سیلی از شبهات و اشکالات مواجه ساخته است. امروزه، تحلیل مفاد گزاره‌های کلامی، یکی از مباحث مهم و کلان «زبان دین» در فلسفه دین به شمار می‌رود و در این میان، آموزه‌هایی که ناظر به ماورای طبیعتند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. این مسئله در مورد اوصاف خداوند، تراکم کمی و کیفی خاصی یافته چنانکه می‌توان ادعا کرد بحث در این زمینه کمتر از بحث پیرامون براهین اثبات وجود خدا نبوده است.

علت این امر نیز در ماهیت اینگونه بررسی‌ها نهفته است: تا این اوصاف به درستی شناخته نگردد، نمی‌توان موضوع را به طور مستقل و بدون واسطه شناسائی کرد و تا موضوع شناخته نشود، نمی‌توان بر وجودش برهان اقامه نموده.

در این زمینه به چند مسئله مهم اشاره می‌کنیم:

الف) از دو جنبه کلی می‌توان صفات خداوند را تحلیل کرد: جنبه معنانشناسی و جنبه وجودشناسی. در بخش وجودشناسی، برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی چون: آیا صفات خداوند عین ذاتند یا زائد بر ذات؟ آیا در صورت زائد بودن حادث‌اند یا قدیم؟ و... تلاش می‌شود. در حالیکه بررسی موضوعاتی چون: چگونگی تبیین و توصیف خداوند، تحلیل معانی صفات، اقسام صفات، مقیاس شناخت صفات خداوند و... در قلمرو معنانشناختی قرار می‌گیرد.

ب) در حوزه معنانشناختی چند مسئله مهم و اساسی مطرح است: نخستین پرسش که چگونگی پاسخ به آن، راه حل پرسشهای دیگر را رقم می‌زند عبارت از این است: آیا ادراک

خداوند و صفات او ممکن است؟ یا چگونه متناهی می‌تواند نامتناهی را درک کند؟ آیا چنین نیست که چون ما نمی‌توانیم برای فهم خداوند، خود را در حد او ارتقاء دهیم، ناچار وی را در حد خود تنزل می‌دهیم؟ به عبارت دیگر، بر فرض درک خداوند، چگونه می‌توان او را با الفاظ و علائم خاکی که همه برگرفته از مصادیق ناقص و مادی‌اند، او را برای دیگران توصیف کرد؟ و اگر خداوند قابل فهم نیست، پس چگونه می‌توان خداشناس بود؟

آیا علم، قدرت، سمع، رؤیت و مانند آن نسبت به خداوند همان معانی رایج در عالم امکان و حوزه محسوسات را دارد؟ آیا برای رهائی از این عرصه باید از فهم معانی اوصاف الهی چشم پوشیده سکوت اختیار کنیم؟ آیا باید از اوصاف ایجابی دست شست و تنها به اوصاف سلبی اکتفا نموده، تمام محمولات ایجابی را به مفاهیم سلبی تأویل کرد؟ آیا در میان صفات ایجابی بر صفات فعلی متمرکز شویم و برای آنها معانی کارکرد گرایانه برگزینیم؟ آیا تمثیل، تشبیه، استعاره و مجاز می‌تواند راهگشای تحلیل معانی اوصاف خداوند باشد و...

پرداختن به معانی صفات خداوند و پاسخ بدین پرسشها حجم قابل توجهی از مباحث زیان دین را به خود اختصاص داده است و فیلسوفان و متألهان راه‌حلهای گوناگونی اتخاذ و با دیدگاههای متفاوتی این موضوع را مورد دقت قرار داده‌اند.

ج) تحلیل معانی اوصاف الهی با مسلم انگاشتن دو پیش فرض است:

۱- گزاره‌های کلامی واجد معانی‌اند.

۲- گزاره‌های کلامی قابل صدق و کذب‌اند.

زیرا گاهی بحث بر سر صدق و کذب گزاره‌های دینی است که در چارچوب الگوهای معرفت‌شناختی به تعیین صدق و کذب آن پرداخته می‌شود و زمانی بحث در معنی‌دار بودن گزاره‌های دینی است که با تطبیق دیدگاههای معنی‌داری و نقد و بررسی آنها، معناداری یا بی‌معنایی گزاره‌های دینی، اثبات یا نفی می‌شود.

این نوشتار نه به معناداری گزاره‌های دینی درباره صفات خداوند می‌پردازد و نه با صدق و

کذب آنها کار دارد. زیرا اصل معناداری گزاره‌ها در اینجا، پیش فرض ما است و اصل اطلاع رسانی آنها که زمینه را برای صادق یا کاذب بود نشان فراهم می‌سازد، اصل موضوعه تلقی شده است.

## ۲- اهمیت بحث از علم و قدرت خداوند

در میان اوصاف خداوند، هنگام بحث و تحقیق دو صفت از برجستگی خاصی برخوردار می‌شوند. این برجستگی از چند ناحیه به آنان اختصاص می‌یابد. نخست آنکه چون به این صفات به عنوان صفات فعل پردازیم (یعنی صفت ذات بودن آنها را در نظر نگرفته باشیم) از حوزه عمل بسیار وسیعی برخوردار خواهند بود تا آنجا که هر یک، چند صفت دیگر خداوند را زیر پوشش خواهند گرفت. دوم، در متون مقدس معتقدان به ادیان توحیدی بیش از هر چیز بر علم و قدرت خداوند تأکید شده است و در جای جای آنها، یا علم و احاطه خداوند بر اعمال و کردار بندگان و یا قدرت او بر ثواب و عقاب ایشان گوشزد می‌شود. این مسئله، هم به دلیل وسعت و دامنه داری بخش مورد پوشش این صفات (یعنی زندگی و مرگ و دنیا و آخرت همه انسانها از ابتدا تا انتها) و هم به دلیل حساسیت و اهمیت موضوع، خواه ناخواه متفکران و متکلمان را به دقت و مواظبت بیشتری بر می‌انگیزد. سوم و مهمتر از همه آنکه از دیر باز، مسائلی چون اختیار انسان و تعارضی که بدو به نظر می‌رسد با علم پیشین الهی پیدا می‌کند و نیز مسئله شر که با همه توجیحات و توضیحاتی که متکلمان متقدم برای آن یافته و آن را امری عدمی دانسته‌اند، از سوی عده‌ای مصرانه بر وجودش پافشاری می‌شود، مستقیماً با صفات علم مطلق و قدرت مطلق خداوند درگیرند.

از اینرو هر قدر و از هر زاویه به بحث پیرامون این صفات پرداخته می‌شود، باز ممکن است سئوالاتی بدون پاسخ مانده و راه هائی طی نگشته باشند.

### ۳- اهمیت رجوع به کتب آسمانی (و یا مقدس)

از آنجا که مبحث ما در این نوشتار، بحثی برون دینی نیست و معناداری و صادق یا کاذب بودن گزاره‌های متون دینی، برای ما مفروض است، مهمترین و اولین منبعی که برای مراجعه در فحص و بررسی صفات خداوند به ما کمک می‌کند و باید به آن بپردازیم، متون مقدس دینی است. عبارات این متون، در بسیاری از موارد به طور روشن صفات خداوند را بیان می‌دارند و راه را برای شناخت و شروع بررسی ما باز کرده و قلمروئی را که باید در آن به تفکر بپردازیم، به طور تقریبی (و یا تحقیقی) برای ما روشن می‌کنند. در این نوشتار، که موضوع آن بررسی علم و قدرت خداوند در دو کتاب آسمانی: قرآن و مقدس: عهدین است، توجه و نظر اصلی و اولیه به خود گزاره‌های این کتب بوده و سپس از نظر مفسران بزرگ و صاحب مقبولیت و البته معتقدان به آنها کمک جسته‌ایم. ناگفته نماند که تأکید ما در بررسی هریک از مفسران آن دین که خود متدین و پایبند به آن بوده‌اند، قرار گرفته و از بیان نظرات و آراء مفسران یک دین درباره گزاره‌های متون مقدس دین دیگر پرهیز شده است.

### ۴- گفت و گو میان ادیان

بر خلاف آنچه در گذشته در طی قرون و اعصار متمادی رایج بوده است، اینک و در پی رواج فرهنگ جدید که در آن دگماتیسم، جای خویش را به آزادی بیان و انتخاب و اظهار عقیده سپرده، راهی برای شناخت و گفتگو میان ادیان و احترام متقابل به آنچه هر دین مقدس و محترم می‌شمارد گشوده شده است. مسیحیان که در عصر خصومت، پیشگام در نفی هر گونه قداست از ادیان و مجامع غیر مسیحی بوده‌اند (جمله معروف: «بیرون از کلیسا احدی رستگار نمی‌شود»<sup>۱</sup>) (extra ecclesiam nulla salus) ناظر بر آن است) اینک پیشگام آن

۱- مصطفوی کاشانی، لیلی، سیاست‌های فرهنگی واتیکان، نامه پژوهش، سال دوم، شماره ۶، پائیز ۷۶، ص

شده‌اند تا ادیان دیگر را بهتر شناخته و آنان را به رسمیت بپذیرند و آنچه در این ادیان مشترک است و یا قابل احترام و مقدس دانسته شده به عنوان ریسمانی برای تفاهم و صمیمیت تلقی شود. پیرو این تصمیم، در آخرین شورای جهانی کلیسا<sup>۱</sup> که به دعوت پاپ ژان بیست و سوم تشکیل شد، شانزده سند منتشر شد که هدف از آن‌ها نوسازی همه مظاهر ایمان و رفتارهای دینی بود. در یکی از این سندها به نام «اعلامیه مردان عصر ما» (Nostra Aetate) چنین آمده است: «کلیسای کاتولیک آنچه را که در این ادیان، حقیقی و مقدس است، مطرود اعلام نمی‌کند. این کلیسا شیوه زندگی، رفتار و دستورات و تعالیمی را که غالباً بازتابی از شعاع حقیقی هستند که همه انسانها را منور<sup>۲</sup> می‌گرداند، حرمت می‌نهد، هر چند که از جهات بسیار با تعالیم خود آن تفاوت داشته باشد.»<sup>۳</sup>

نتیجه این دیدگاه، ظهور گونه‌ای از تفکر کلامی و سپس رشته‌ای از الهیات مسیحی بود که «الهیات ناظر بر همه ادیان» یا «الهیات ادیان» (Theology of Religins) خوانده می‌شود و البته صورتی کلامی از علم ادیان نیست بلکه رشته‌ای است که رابطه مسیحیت را با سایر ادیان مورد بررسی قرار می‌دهد.

خاستگاه این فن، این واقعیت است که در جهان ملت‌هائی وجود دارند که متدین و معتقد به ادیان دیگرند، مانند: یهودیان، مسلمانان، بوداییان، هندوان، پیروان ادیان ابتدائی و...<sup>۴</sup>. هر چند مسلمانان پیش از این نیز: پیامبری موسی و عیسی علیه السلام و ابراهیمی بودن ادیان

۱- این شورا که به نام شورای واتیکان ۲ شناخته می‌شود، طی سالهای ۱۹۶۲-۱۹۶۵ تشکیل شده و در آن اسقفانی از تمام مناطق جهان، همچنین مراقبانی از کلیساهای ارتودکس و پروتستان و مهمانانی از اسلام، یهودیت و دیگر ادیان حضور داشتند.

۲- مقصود از نور، کلمه‌ای است که طبق گفته کتاب مقدس، در دل همه آدمیان وجود دارد.

۳- به نقل از «ارزیابی کلامی مدرنیته» اثر هورستون - پی، ترجمه سایه میثمی، ص ۶۹؛ مجله نقد و نظر، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، اصل این مقاله در شماره دوم مجله Dialogue به چاپ رسیده است - و کلام مسیحی، صص ۱۱۲ و ۱۱۱.

۴- نگا: کلام مسیحی صص ۱۲۸-۱۲۷.